



سلوک عاشورای

ہجرت و مجاہدت

منزل سوم

بہ انضمام دو جلسہ تکمیلی



سلوک عاشورای

منزل سوم | هجرت و مجاهدت

سلسله جلسات اخلاق و معارف اسلامی
حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی

سرشناسه: تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۱ -
عنوان و نام پدیدآور: سلوک عاشورایی: منزل سوم: هجرت و مجاهدت /
مجتبی تهرانی.
وضعیت ویراست: [ویراست ۲].
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی مطایح الهدی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۶۳-۸-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: چاپ سوم.
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: تهرانی، مجتبی -- وعظ
موضوع: جهاد
موضوع: واقعه کربلا، ۶۱ ق.
موضوع: عاشورا
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ س ۸۶ ت/۵/۰/۵ BP۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۸-۶۲۵

صفحه آرا: مجید اکبرزاده

قیمت: ۳۷۰۰ تومان

چاپ سوم (با تصحیح و اضافات): بهار ۱۳۹۱

تلفن مؤسسه: ۷۷۶۵۲۱۳۴-۵

مدیر هنری: مجید زارع

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

چاپ سوم (با تصحیح و اضافات): بهار ۱۳۹۱

مرکز پخش: ۷۷۵۲۴۵۸۵

فهرست

مقدمه / ۱۳

جلسه اول / ۲۱

مقدمه / ۲۱

ایمان، هجرت، مجاهدت / ۲۲

سه گانه «ایمان، هجرت و مجاهدت» در آیات قرآن | ۲۲
تطابق و تفاوت حرکت امام حسین علیه السلام با حرکت انبیای الهی | ۲۴

حقیقت ایمان و لوازم وجودی آن / ۲۴

آیا هجرت و مجاهدت، جز حقیقت ایمان است؟ | ۲۴
تفاوت لازمه وجودی و لازمه ماهوی | ۲۵
یک مثال: زهد، عدم دل‌بستگی به دنیا است و ساده‌زیستی، لازمه وجودی آن | ۲۶
تفاوت زهد و تزهد | ۲۷
تفاوت ایمان و اعتقاد | ۲۷
اعتقاد، کار عقل است و ایمان، کار قلب | ۲۸
ایمان، دل‌بستگی به خدا است و مؤمن، دل‌بسته خدا است | ۲۸

هجرت و مجاهدت، دو لازمه وجودی ایمان / ۲۹

هجرت و مجاهدت، نشانه و لازمه وجودی لاینفک از ایمان | ۳۰
هجرت و مجاهدت، ویژگی مشترک حرکت انبیای الهی و امام حسین علیه السلام | ۳۱

هجرت؛ مأموریت حضرت مسلم / ۳۱

﴿ ۶ ﴾ هجرت و مجاهدت

جلسه دوم/۳۳

﴿ ۵ ﴾ هجرت صفری، هجرت بیرونی/۳۳

ارتباط هجرت صفری و ایمان | ۳۴

هجرت، نشانه مؤمن حقیقی | ۳۵

﴿ ۵ ﴾ هجرت کبری، هجرت درونی/۳۶

هجرت، برای حفظ دل‌ستگی به خدا | ۳۶

مؤمن نمی‌داند مهاجر نباشد | ۳۶

هجرت، شانه خالی کردن از زیر بار تکالیف نیست | ۳۷

ایمان اعتقادی و نفسانی و عملی هجرت کبری | ۳۸

مقامات معنوی هم هجرت هستند | ۴۰

﴿ ۵ ﴾ حَرّ، مهاجرتی به سوی خدا/۴۱

مهاجران خودآگاه و ناخودآگاه در حرکت امام حسین علیه السلام | ۴۱

جلسه سوم/۴۵

﴿ ۵ ﴾ هجرت کبری؛ کج از ضلالت به سوی هدایت/۴۵

هجرت کبری، سفری درونی است | ۴۵

ایمان ثابت و ایمان عارضی! | ۴۶

هجرت همچنان واجب است | ۴۶

خدا به ایمان من و تو نیازی ندارد | ۴۷

﴿ ۵ ﴾ رابطه هجرت کبری و معرفت حجت الهی/۴۸

مهاجر، امام‌شناس است | ۴۸

﴿ ۵ ﴾ تعزّب پس از هجرت/۴۹

تعزّب پس از هجرت، گناه کبیره است | ۴۹

رها کردن امامت پس از شناخت امام، تعزّب بعد الهجرة است | ۴۹

تعزّب پس از هجرت، یعنی عقب‌گرد کردن از حق | ۴۹

رها کردن امامت پس از شناخت امام، تعزّب بعد الهجرة است | ۵۰

تعزّب بعد از هجرت؛ پس از رحلت پیغمبر اکرم علیه السلام | ۵۰

هجرت صفری برای حفظ هجرت کبری | ۵۱

﴿ ۵ ﴾ پایان هجرت صفرای حسین علیه السلام/۵۲

بار بگشایید اینجا کربلاست | ۵۲

جلسه چهارم/۵۵

هجرت صغری موضوعیت ندارد/۵۵

هجرت صغری مطلوبیت ذاتی ندارد | ۵۵
آنچه مطلوبیت دارد، هجرت کبری است | ۵۶

هجرت صغری برای ایجاد هجرت کبری/۵۷

کسانی که به خاطر هجرت نکردن، توبیخ می‌شوند | ۵۷
استضعاف اعتقادی و عملی | ۵۸

هجرت صغری برای حفظ هجرت کبری/۵۹

هجرت و محیط‌های چهارگانه زندگی | ۶۰
هجرت از محاسن بصیرت | ۶۰
هجرت یک وجب | ۶۱

ترك هجرت به بهانه استضعاف/۶۲

فساد تدریجی الحصول است | ۶۲
«استضعاف» عذر موجهی برای هجرت نکردن نیست | ۶۳

هجرت حسینی و مهاجری به نام حبیب/۶۴

نامه امام حسین (علیه السلام) به محمد بن حنفیه | ۶۴
نامه امام حسین (علیه السلام) به حبیب بن مظاهر | ۶۵
گفت‌وگوی حبیب با همسرش | ۶۶

جلسه پنجم/۶۷

هجرت کبری برای حفظ دین/۶۷

تلاش برای هجرت و کمال هجرت | ۶۷
اگر اینجا نمی‌توانی دینت را حفظ کنی، هجرت کن | ۶۸
چرا تعزب بعد از هجرت حرام است؟ | ۶۸
تعزب بعد از هجرت، یک حرکت ارتجاعی است | ۶۹
یک انسان متقی چگونه به تفریح لایالی می‌شود؟ | ۷۰

هجرت صغری برای حفظ دین دیگران/۷۱

هجرت برای تعلیم معارف الهی به دیگران | ۷۱
دلالة آیه «نفر» بر وجوب هجرت | ۷۲
گاهی نباید هجرت کرد | ۷۳

❦ هجرت صفرای حسین (علیه السلام)، برای دست گیری از دیگران/ ۷۴

چرا عینالله حر جعفری با حسین (علیه السلام) هجرت نکرد؟ | ۷۴

حسین (علیه السلام) و هجرت کبرای زهیر | ۷۵

نورانیت زهیر در اثر هجرت کبری | ۷۶

جلسه ششم/ ۷۹

❦ هجرت برای کسب معارف دینی و تبلیغ آن/ ۷۹

بررسی اجزای اقسام هجرت‌ها | ۷۹

تفاوت تمیز بعد از هجرت با هجرت به مناطق الوده برای دست گیری | ۷۹

امام، تبلیغ معارف الهی باید به عمق بلاد کفر هجرت کنی | ۸۰

باید برای تکمیل شعور دینی هجرت کنیم | ۸۱

کمبود شعور دینی زمینه ساز وابستگی به بیگانگان | ۸۲

❦ حفظ دین جامعه، عرض اصلی هجرت انبیا و اولیا/ ۸۴

تفاوت «شخص» و «موضوع» در هجرت صفری | ۸۳

تفاوت «انبیا» با «انف» در هجرت صفری | ۸۴

وجه مشترک هجرت‌های انبیا و اولیا | ۸۵

هجرت امام حسین (علیه السلام) برای حفظ دین جامعه | ۸۶

❦ بررسی آیات «هجرت» در قرآن کریم/ ۸۶

جلسه هفتم/ ۸۹

❦ مسلمان حقیقی و مسلمان شناسنامه‌ای/ ۸۹

مسلمان شناسنامه‌ای مهاجر نیست | ۸۹

انبیای الهی هم مهاجر بودند | ۹۰

❦ وسعت معنای هجرت در قرآن کریم و روایات/ ۹۱

هجرت به سوی رسول، همان هجرت به سوی خدا است | ۹۱

زراره هجرت نکرد، ولی مهاجر بود! | ۹۱

❦ تبیین مأموریت انبیا در هجرت دادن دیگران/ ۹۳

مأموریت انبیا؛ هجرت دادن کل جامعه است، نه تک‌تک افراد | ۹۳

نباید توقع نابجا از انبیا داشت | ۹۴

هجرت، هر چه سخت‌تر اجرش بیشتر! | ۹۴

وظیفه اطرافیان پیغمبر سنگین‌تر و اجرشان بیشتر است | ۹۵

پاسخ به شبهه‌ای درباره وجوب کفایی هجرت | ۹۵

❦ رابطه هجرت صغری با جهاد اصغر/ ۹۷

تقابل «قاعدين» و «مجاهدين» در قرآن کریم | ۹۷
تلفیق هجرت صغری و جهاد اصغر در حرکت امام حسين عليه السلام | ۹۸
من انجام وظیفه را دوست دارم | ۹۹

❦ جلسه هشتم/ ۱۰۱

❦ تا اسلام هست، هجرت هم هست/ ۱۰۱

انتم اهل بیت، قوه ابرایی انبیای عظام عليه السلام | ۱۰۱
اسلام یعنی تسلیم حق بودن | ۱۰۲
تا دین هست، هجرت هم هست | ۱۰۳
خروج از بیت، و جدی شدن هجرت ظاهری و هجرت باطنی | ۱۰۴
«انقطاع» یا «انفصال» از دنیا و رسیدن به امام هجرت ها | ۱۰۵

❦ نقش هجرت های اولیای خدا در حفظ دین/ ۱۰۶

هجرت های پیغمبر اکرم عليه السلام | ۱۰۶
هجرت های حضرت موسی عليه السلام | ۱۰۷
این همه زحمت، برای انسان شدن ما | ۱۰۸
باید قدر دان زحمات انبیا و اولیای خدا باشیم | ۱۰۹
هجرت کبری در گرو هجرت صغری | ۱۱۰
هجرت، انقطاع است و دین داری هجرت است | ۱۱۱
هجرت های حضرت ابراهیم عليه السلام | ۱۱۲
وعدۀ نصرت الهی در هجرت های انبیا | ۱۱۳

❦ مقایسه هجرت امام حسين عليه السلام با هجرت انبیا/ ۱۱۳

هجرت، بدون وعدۀ نصرت! | ۱۱۴
ابراهیم کجا، حسین عليه السلام کجا؟! اسماعیل کجا، علی اکبر کجا؟! | ۱۱۵

❦ جلسه نهم/ ۱۱۷

❦ رابطه هجرت و دین داری/ ۱۱۷

ایمان گوناگون هجرت | ۱۱۷
پیوستگی دل به خدا، مبدأ همه هجرت ها | ۱۱۸
دین داری یعنی هجرت از قطب مادیّت به سوی قطب معنویت | ۱۱۹
آن گاه که از خانه نفس نور شدی، مهاجری! | ۱۲۰

❦ هجرت یعنی گذشتن از «مال و جان»/ ۱۱۹

مال فدای جان، جان فدای دین | ۱۲۰
بذل مال و جان در راه دین | ۱۲۱

هجرت یعنی بر دوراهی دین و دنیا، دست از دین برندار! | ۱۲۲
 دنیال کارهایت برو؛ از خدا جدا نشو! | ۱۲۳
 حکایت وصل و فصل در هجرت | ۱۲۴
 مصیبت عظمی کجاست؟! | ۱۲۵

جلسه دهم/ ۱۲۷

﴿ مهاجر دین دار، فقط دل بسته خدا است/ ۱۲۷ ﴾
 هجرت از خود گسیستن و به او پیوستن است | ۱۲۷
 دل را فقط بسوی خدا متوجه کن! | ۱۲۸

﴿ آثار و نشانه های هجرت حقیقی/ ۱۲۹ ﴾
 نشانه دین دار حقیقی، گشتن از مال و جان است | ۱۲۹
 اول از مال گذر، بعد از جان | ۱۳۰
 دین داران حقیقی هنگام استعجال الهی مشخص می شوند | ۱۳۰

﴿ پی آمدهای مقدم داشتن دنیا بر دین/ ۱۳۱ ﴾
 ۱- مورد سوءاستفاده دیگران واقع خواهی شد | ۱۳۱
 ۲- در دنیا هم ضرر خواهی برد | ۱۳۱
 ۳- هم دینت را از دست می دهی و هم دنیا را! | ۱۳۲
 ۴- به شقاوت و بدبختی مبتلا خواهی شد | ۱۳۲

﴿ چرا عمر سعد دنیا را بر دین مقدم کرد؟/ ۱۳۴ ﴾
 عمر سعد اصلاً دین نداشت که بخواهد به دنیا بفروشد! | ۱۳۴
 عمر سعد دین را به «وعدۀ دنیا» فروخت، نه خود دنیا | ۱۳۵
 اتمام حجت امام حسین (علیه السلام) با عمر سعد | ۱۳۶

جلسه یازدهم/ ۱۳۷

﴿ هجرت عام و هجرت خاص/ ۱۳۷ ﴾
 هجرت ارادی و غیر ارادی | ۱۳۷
 هجرت دارای مراتب و درجات است | ۱۳۷

﴿ سیر الی الله تعالی؛ هجرت از منزلی به منزل دیگر/ ۱۳۸ ﴾
 آغاز و انجام هجرت، با قدم های «ریاضت و تقوا» | ۱۳۸
 بشتوانه هجرت، «خوف و رجا» و «حبّ به خدا» | ۱۳۹
 مانع هجرت: «تعلقات نفسانی» | ۱۴۰

نقش ریاضت‌ها و قطع تعلقات در هجرت/۱۴۱

- پیراستگی، منشا آراستگی | ۱۴۱
بدون ریاضت به مراتب بلند نیکی نخواهی رسید! | ۱۴۲
کسی که شوق حبیب دارد، برای رسیدن به او تلاش می‌کند | ۱۴۳
قطع تعلقات معنوی در هجرت | ۱۴۳
سلوک حسین (علیه السلام) و قطع تمام تعلقات در عاشورا | ۱۴۴
تمام وجه حسین (علیه السلام) به سوی خدا بود | ۱۴۵

جلسه دوازدهم/۱۴۷

رابطه هجرت و جهاد/۱۴۷

- جهاد اصغر، یکی از مصداق‌های هجرت صغری است | ۱۴۷
هجرت کبری متوقف بر جهاد اکبر است | ۱۴۸
شهادت در جهاد اصغر و جهاد اکبر | ۱۴۸
جهاد اکبر، مجاهده با نفس است | ۱۴۹
سعادت‌مندی، در گرو جهاد با نفس است | ۱۵۰

راه‌نما و توشه راه مهاجر/۱۵۰

- راه‌یابی در هجرت کبری، متوقف بر جهاد اکبر است | ۱۵۱
محصول جهاد اکبر، توشه راه مهاجر است | ۱۵۱
راه‌های بسوی خدا بسیار است | ۱۵۲

چرا از اهل بیت (علیهم السلام) استفاده نکردند؟/۱۵۲

- چهل و بی شعوری دشمنان اولیای خدا | ۱۵۲

جلسه سیزدهم/۱۵۵

شهادت در جهاد اکبر/۱۵۵

- موت هواهای نفسانی، یعنی سرکوب خواسته‌های شهوی و غضبی نفس | ۱۵۵
کثرت شهادت در جهاد اکبر | ۱۵۶
روزی هفتاد بار شهادت در جهاد اکبر! | ۱۵۷
در جهاد اکبر، هر شهادت یک حجاب را مرتفع می‌کند | ۱۵۸
اطلاق «شهید» بر مجاهدان جهاد اکبر و جهاد اصغر | ۱۵۸
تلازم «شهادت» و «حیات» در جهاد اصغر و جهاد اکبر | ۱۶۰

تقوا، ثمره جهاد اکبر و توشه هجرت کبری/۱۶۰

- حرکت گام‌به‌گام در جهاد اکبر | ۱۶۱
«اطاعت از خدا» تنها وسیله برای رسیدن به خدا | ۱۶۱

اگر تقوا پیشه کنی، راه را به رویت باز می کنند | ۱۶۲
جهاد اکبر، چشم دلت را باز می کند | ۱۶۳
چشم دل همسر خولی باز شده بود | ۱۶۴

بحث تکمیلی/۱۶۵

جلسه چهاردهم/۱۶۷

﴿ خصوصیات «جهاد اکبر» ۱۶۷/﴾

جهاد با نفس یعنی چهار کردن حیوانیت | ۱۶۷
«ریاضت» نفس «جهاد اکبر» | ۱۶۸
راه سهار کردن نفس و نتیجه آن | ۱۶۸
تعدد «شهادت» در جهاد اکبر | ۱۶۹
نامحدود بودن زمان و جوب جهاد اکبر | ۱۶۹
در جهاد اکبر از آمودگی خبری نیست! | ۱۷۰
سختی شناسایی لشکر دشمن | ۱۷۰

﴿ چرا «جهاد با نفس»، «جهاد اکبر» است؟ ۱۷۱/﴾

«جهاد نفس» علت تشریع احکام الهی | ۱۷۱
«جهاد نفس» سخت تر از جنگ با دشمن | ۱۷۱
ساختن صورت ملکوتی در جهاد با نفس | ۱۷۲
«جهاد نفس» ملکه ساز است و «ملکات نفسانی» صورت ساز | ۱۷۳
«جهاد نفس» مقلمه ضروری هجرت بی الله | ۱۷۳
جهنم به خاطر «ترک جهاد با نفس» است | ۱۷۵

جلسه پانزدهم/۱۷۷

﴿ غنیمت های جهاد اکبر ۱۷۷/﴾

۱. دفع ضرر اخروی | ۱۷۸
۲. جلب منفعت اخروی | ۱۷۹
۳. بالرزش تر شدن حسنات | ۱۸۰
۴. ترفیع درجات معنوی | ۱۸۱
۵. باز شدن در قلب برای درک حکمت | ۱۸۲
۶. رضوان الهی و فوز اکبر | ۱۸۲
۷. افضل از ملائکه | ۱۸۴
۸. پُران تر از ملک، یا پایین تر از حیوان | ۱۸۴
۹. فتای فی الله | ۱۸۵

﴿ منابع/۱۸۷﴾

﴿ نمایه/۱۸۹﴾

انسان همیشه نیازمند روشد و راهنما بوده و خواهد بود؛ اما انسان دوران ما نیازمندتر از گذشتگان است. غوغای زندگی ماشینی و هیاهوی مظاهر پر زرق و برق پیشرفت‌های صنعتی، در کنار اغواگری برخی رسانه‌های افسون‌گر و دشواری گذران زندگی «نیو درگیری‌های روزافزون ذهنی، همه و همه نوعی از «معیشت خشک» را برای ما رقم زده‌اند. در فضایی چنین غبارآلود «عالم همچون کسی است که با خود شمعی دارد و همه‌جا را برای مردمان روشن می‌کند، پس هر که با شمع او جایی را ببیند، در حق او دعای خیر می‌کند. عالم نیز با خود شمعی دارد که تاریکی نادانی و سرگردانی را از بین می‌برد»^۱.

هنگامی که بشر در حیرت و سرگردانی است و هر کس راهی به او نشان می‌دهد و او نمی‌داند کدام راه به مقصد و مقصود منتهی می‌گردد، نیازمند شاخص و نشانه‌ای است که فرشته نجات او شود و عالمان ربّانی در زمان غیبت همان نقش و جایگاه را دارند؛ چراکه به تعبیر رسول خدا ﷺ: «مَثَلُ عالِمان در زمین، همچون مَثَلِ ستارگان است در

۱. امام حسن عسکری (علیه السلام) به نقل از امام باقر (علیه السلام) فرمود: العالم کمن مع شمعة تضیء للناس فکل من ابصر شمعة دعا له بخیر، کذلک العالم مع شمعة تریل ظلمة الجهل والحیرة (بحار الانوار، ج ۲، ص ۴).

آسمان، که در تاریکی‌های خشکی و دریا به وسیله آن‌ها می‌توان به راه درست رسید؛ و چون غروب کنند، چه بسا راه‌یافتگان هم به گمراهی افتند»^۱.

اینک ماییم و تجسم این تشبیه رسول خدا ﷺ؛ ماییم و یکی از پر فروغ‌ترین ستارگان آسمان دین و دانش که سال‌های سال است روشنی بخش خرد و گرمابخش جان‌های مشتاقی است که پروانه وار گرد «شجره طیبه» وجودش می‌چرخند و از خرمن معرفتش بهره می‌گیرند.

او نمونه برجسته همان کسانی است که امیر دل‌ها، علی (علیه السلام) توصیف و به ملازمت رکابشان توصیه فرموده است؛ «کسی که جامه شهوات از تن بیرون کرده و از همه دل‌مشغولی‌ها خویش را رها نیند، مگر یک چیز که پیوسته در فکر آن است (و آن دین او است)، بدین گونه از کوردلی رسته و از هم‌گامی با هواپرستان جسته است، و خود کلید در هدایت و قفلی بر در سقوط و تباهی گشته است؛ راه خویش به خوبی یافته و آن را پیموده، و شعلی فروغ‌بخش به چنگ آورده و در پرتو آن از راه‌های سردرگم و ظلمانی گذشته است.

او به استوارترین دستاویزها رسیده و به محکم‌ترین رَسَن‌ها در آویخته است و یقینش به دین، مانند کسی است که نور خورشید را می‌بیند. بدین سان تن به اطاعت خدای سبحان داده، دست به کارهای بزرگ می‌یازد، هر وظیفه‌ای که پیش آید آن را درست به انجام می‌رساند، و هر فرعی (و امری) را منطبق با اصل (دینی) آن مجری می‌دارد، او چراغ

۱. عن النبی ﷺ: إن مثل العلماء فی الارض کمثل النجوم فی السماء یتدی بها فی الظلمات البزو البحر، فاذا انطلمست اوشک ان تضل الهداه (النجباء، ج ۲، ص ۴۲۶).

تاریکی‌ها است و برطرف کنندهٔ اشتباه‌ها...»^۱

مراد ما، فقیه عارف و عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی (دام ظلّه العالی و دامت برکاته) است که کرسی افتخار، هیچ گاه منبر ارشاد را از او دریغ نکرده است و همچنان که محفل نورانی درس خارج فقه و اصولش طالبان پی گیر و پرتلاش را به قلعهٔ استنباط رهنمون می‌شود، مجلس گرم اخلاق و معرفت و تفسیرش نیز مشتاقان تهذیب و تطهیر نفس را به حلقهٔ انسِ خدای کریم می‌کشاند و با این همه، از روی اخلاص و فروتنی که نشانهٔ ویژگی مردان خدا است، جهانی است بنشسته در گوشه‌ای.

سال‌های سال است که عالم و عامی می‌پرسند (و البته ما را توبیخ می‌کنند) که چرا چهرهٔ مکتوب آنچه ایشان افاضه می‌فرمایند طلوع نمی‌کند تا هم حاضران را بیشتر بهره‌مند سازد و هم آنان را که به هر دلیل باید در دوری تحمل کنند. این مراجعات مکرر، سرانجام سدّ چندین دهه منع و امتناع را شکست و به فضل الهی بخشی از «اخلاق الاهی» ایشان به گونه‌ای در خور رخ نمود تا «درآمدی بر سیر و سلوک» و «آیینۀ «کیش پارسایان» باشد.^۲ اما آن هم آتش اشتیاق را فرو ننشاند و انتظار برای تهذیب و ویرایش را، بیش از این روانی داشت.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۸۷... قَدْ خَلَقَ سَبَإِیْلَ الشَّهَدَاتِ وَ تَحَلَّى مِنَ الْإِهْنَاءِ وَ ابْعَدَ الْبُرْذِیَةِ فَخَرَجَ مِنْ صِفَةِ الْعُمَى وَ مَشَارَكَةِ أَهْلِ الْهَوَى وَ صَارَ مِنْ مَنَافِعِ الْبُزَابِ الْهَدَى وَ مَنَافِقِ الْبُزَابِ الْزُورَى قَدْ انْقَضَ طَرِيقُهُ وَ شَلَّكَ سَبِيلُهُ وَ غَرِبَ مَنَارُهُ وَ قَطَعَ غَنَارُهُ وَ اسْتَسْلَسَ مِنَ الْعَرَبِ بِأَوْتَانِهَا وَ مِنَ الْإِثَالِ بِأَشْنِهَا فَهُوَ مِنَ الْيَقِینِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ قَدْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِقَدْ سَبَّخَانَهُ فِي أَرْفَعِ الْأُمُورِ مِنْ إِضْذَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ وَ تَضْمِیرِ كُلِّ فِرْعَانٍ إِلَى أَضْلِهِ مَضَاحِ ظُلُمَاتِ كُشَافِ غُشْرَاتِ مِفْتَاحِ مَهْنَاتِهِ...
۲. نام آثار معظمه که تا کنون به هفت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر گردیده است و ان شاء الله همچنان ادامه خواهد یافت. شکر الله سبحانه و تعالی و جزاهم الله عن الاسلام و المسلمين خیر الجزاء.

اینک با اصرار ارادتمندان و شاگردان، حضرت استاد اجسازه فرمودند تا متن برخی درس‌های اخلاق ایشان، به صورت اصلی و با کمترین ویرایش و پیرایش، منتشر گردد و درخواست مؤمنان بیش از این بدون اجابت نماند؛ ﴿لَقَدْ أَلَّفَ اللَّهُ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾^۱.

با سپاس از محضر مبارک معظم‌له، اینک سومین جلد از مجموعه بیانات ایشان همراه با توضیحات زیر تقدیم شما خوانندگان گرامی می‌شود.

۱- از سال ۱۳۸۰ شمسی تا کنون، بنای استاد بر آن بوده است که در ایام دهه نخست محرم به تحلیل بُعدی از ابعاد قیام امام حسین (علیه السلام) بپردازند. در نظر است به لطف خداوند این مباحث به ترتیب تحت عنوان «سلوک عاشورایی» منتشر گردد. «تعاون» و «مربه معروف و نهی از منکر» نخستین و دومین مبحث از آن مجموعه بود، که پیش از این منتشر شد و به فضل الهی مورد اقبال و استقبال قرار گرفت. کتاب حاضر نیز با نام «هجرت و مجاهدت» سومین حلقه از آن سلسله است که درباره اهمیت و محتوای آن اندک توضیحی خواهم داد.

۲- تلاش شده است تا به درخواست و توصیه بسیاری از علاقمندان و برای اجتناب از طولانی شدن زمان، تا حد امکان از ویرایش متن خودداری شود و تا آنجا که ممکن است گرمای لحن و حلاوت کلام ایشان حفظ گردد، مگر تیتراها و یا ارجاعات و توضیحات ضروری که در پاورقی‌ها ملاحظه خواهید فرمود.

۳- بار اصلی پیاده‌سازی نوارها بر عهده برخی شاگردان معظم‌له بوده که با علاقه و اخلاص در «مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی» سامان یافته است. این ناچیز هم بنا به حسن ظن و امر حضرت استاد نظارت بر این اقدام مبارک را بر عهده داشته و با اذن ایشان متن نهایی را آماده و تأیید کرده‌ام.

۴- پیشاپیش اعتراف می‌کنم که آنچه در خور معظم‌له، و حتی آنچه مورد نظر و خواست خود ما بود، انجام نشده است. تن دادن به اصرارها و ابرام‌ها مستلزم نوعی شتاب و پذیرش برخی کمبودها بوده است. امید است کاستی‌ها و خطاهای ما را عفو فرمایند و تنها از محاسن کلام آن عالم ربانی بهره‌مند گردید؛ صد البتّه این مؤسسه چشم به راه دریافت نظرات شما است.

۵- آنچه می‌خوانید حاصل بیانات عمومی و در سطح مخاطبان معمولی است که با رعایت مقتضیات حال و فنون بلاغت القاء گردیده است. آرزو می‌کنیم که متن دروسی تخصصی خارج فقه و اصول و دیگر مکتوبات علمی حضرت استاد نیز به قلم خود ایشان در اختیار مشتاقان قرار گیرد.

۶- «مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی»، در سال ۱۳۸۸ به منظور «حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی» از سوی تنی چند از شاگردان و ارادتمندان معظم‌له پایه‌گذاری شده و با تأسیس پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی به نشانی www.mojtabatehrani.ir در صدد تعمیم فیوضات معنوی ایشان است. «مصابیح الهدی» نیز نامی برگرفته از روایات متعدّد است که فرزانه‌گانی چون

حضرت استاد را توصیف کرده‌اند.^۱

۷- مباحث این کتاب به تحلیل قیام و انقلاب امام حسین (علیه السلام) بر اساس «هجرت و مجاهدت» اختصاص دارد که به مناسبت دهه اول محرم سال ۱۴۲۳ هجری قمری، مصادف با اسفندماه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی، افزای گردیده است. هجرت و جهاد از مفاهیم شناخته شده و پر اهمیت در معارف اسلامی است که خصوصاً در حوزه‌های فقهی، اخلاقی و عرفانی مورد بحث قرار گرفته است. مباحث استاد هم، مانند همیشه، ناظر به ابعاد مختلف موضوع است که بر مبنای آیات و روایات ارائه گردیده است.

از نظر معظم له، هجرت و مجاهدت، گرچه جزئی از ماهیت ایمان نیستند، اما از لوازم وجودی آن به شمار می‌روند؛ و به همین دلیل همیشه و هر مؤمنی، باید مهاجر الی الله و مجاهد فی سبیل الله باشد؛ همان گونه که تمام انبیاء و اولیاء چنین بوده‌اند. تبیین مفهوم این دو، تقسیم‌بندی‌های متفاوت، مثال‌ها و توصیه‌های کاربردی از ویژگی‌های این درس‌ها است که می‌تواند خواننده را، علاوه بر آشنایی با مفاهیم و لطایف علمی، در عمل هم راهنمایی نماید.

در این میان، از جمله باید به مباحث زیر اشاره کرد: طریقت هجرت، و نه موضوعیت آن، تقدّم جامعه‌سازی دینی بر کناره‌گیری به منظور حفظ دین شخصی و شرایط آن‌ها، تبیین معنای «تَرْبَعٌ بَعْدَ از هجرت» و مصداق‌های آن در روزگار ما، تفسیر عرفانی از آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ...﴾، بیان

۱ - نظیر آنچه در کافی، ج ۲، ص ۲۲۵ و بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۳۵ و ج ۷۴، ص ۱۷۴ و ج ۷۵، ص ۷۲ و نیز خطبه ۱۴۹ نهج البلاغه آمده است.

تفاوت‌های جهاد اصغر و جهاد اکبر و اینکه چرا مبارزه با نفس جهادی بزرگ‌تر و با ارزش‌تر است و دلیل اطلاق اصطلاح شهادت بر انجام برخی طاعات الهی در روایات چیست. در هر حال چنان‌که گفته شد، محور مشترک همه مباحث این کتاب، تحلیل قیام امام حسین علیه السلام از نگاه «هجرت و مجاهدت» است. حرکت آن بزرگسوار از مدینه به مکه و سپس به سرزمین کربلا، هجرت صغری است که به منظور دعوت مردم به هجرت کبری صورت گرفته است؛ همان‌گونه که جهاد عاشورایی آن در دانه حلق هم در این راستا قابل تحلیل و بازخوانی است.

طبق سنت بدیع و شناخته‌شده حضرت استاد، ذکر مصیبت‌های پایانی هر جلسه نیز مختار بر مبنای همان مباحث است؛ و نشان می‌دهد که آنچه در کربلا اتفاق افتاد، تجسم همین مفاهیم و آموزه‌هاست. اما روضه‌ها فقط تا آنجا که اشاره‌ای به تطبیق‌ها دارد، در متن باقی مانده؛ و از جمله در دو جا شایسته بازخوانی و تدبیر مکرر است: یکی در آنجا که هجرت سالار شهیدان را با هجرت انبیای الهی، مانند ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام مقایسه می‌کند و دیگری در مورد خسران مبین فاجعه آفرینانی مثل عمر بن سعد! امیدوارم این مجموعه نیز در چشم ارباب معرفت مقبول افتد و ذخیره‌ای برای روز نیاز همه ما باشد.

رَبَّنَا قَبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

محسن اسماعیلی

تیرماه ۱۳۹۰